

مناسبت‌های جرم‌زا در صنعت ساخت با رویکرد جرائم دولتی - شرکتي

(مطالعه‌ای در نظام ایران و انگلیس)

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سید علیرضا میرکمالی

استادیار مهندسی عمران موسسه آموزش عالی علامه رفیعی، کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

محمد رضا داراب‌پور

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469

Online ISSN: 2717 - 1477

ISC.Noormags, SID, نمایه در
GoogleScholar, Ensani, Magiran

www.jaml.ir

سال سوم، شماره چهاردهم،

صفحات ۹۵-۱۰۷

چکیده

صنعت ساخت واجد پتانسیل‌ها و بسترهای شگرفی برای وقوع انواع جرایم است. این جرایم در مواردی در پیوند با رفتارها و سیاست‌های جرم‌زای دولتی شکل می‌گیرد و وقوع آنها عملاً بدون دخالت مستقیم یا غیرمستقیم دولت، نهادهای عمومی و تصمیم‌ساز حاکمیتی میسر نیست. مقاله حاضر، با تکیه بر روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با کنکاش در جرائم دولتی-شرکتی چگونگی ظهور و تأثیر «ساختارهای صنعتی جرم‌زا» در صنعت‌ساخت در پیوند با تصمیمات و دخالت‌های حاکمیت را بررسی نموده و مشخص می‌نماید که چگونه ساختارهای صنعتی جرم‌زا تعاملات دو سویه را بین فرآیندهای سازمانی و مناسبات سیاسی-اقتصادی را شکل می‌دهد، که برای توسعه گفتمان جرم‌شناسی انتقادی حیاتی است و می‌تواند تبیین‌کننده چارچوبی مشخص در شناسایی علل وقوع جرم و سیاست‌گذاری‌های کیفی در برخورد با جرائم دولتی-شرکتی را فراهم آورد. نهایتاً مشخص گردید که آنچه دولت را به سوی هم‌زیستی جرم‌زا با بخش خصوصی سوق می‌دهد کم‌رنگ شدن جایگاه اجرایی دولت‌ها در مناسبات اقتصادی و اجتماعی است زیرا دولت‌ها امروزه بیشتر نقش ناظر و تعریف‌کننده فرایندها را ایفا می‌کند و این بخش خصوصی است که به نیازهای اقتصادی-اجتماعی پاسخ می‌دهد و مصلحت دولتی ایجاب می‌نماید تا حاکمیت هم‌نوا با بخش خصوصی (شرکت‌ها) گام بردارد.

واژگان کلیدی: جرائم دولتی-شرکتی، صنعت ساخت، مهندسی، ساختار جرم‌زا، جرم‌شناسی انتقادی.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

۱- مقدمه

تقریباً ۷٪ از نیروی کار جهانی در صنعت ساخت مشغول به کار هستند (Lexis Nexis, 2016). صنعت ساخت در کشورهای مختلف بستر بسیاری از فرصت‌ها و ابزارهای فعالیت‌های مجرمانه و انواع بزه‌ها را فراهم آورده است (Van De Bunt, 2010; Lillie, 2012; Ganji, 2016; Reeves-Latour and Morselli, 2017). به گونه‌ای که بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، ۱ از ۱۵۰ میلیارد دلار سود سالانهٔ استثمار اقتصادی اجباری در سراسر جهان، ۳۴ میلیارد دلار (۲۳ درصد) در ارتباط مستقیم با صنعت ساخت است (ILO, 2014). در یک نظرسنجی از ۲۱ کشور اروپایی (European Union Agency for Fundamental Rights, 2015)، ۹ کشور صنعت ساخت را آسیب‌پذیرترین صنعت در برابر استثمار نیروی کار در مقایسه با سایر بخش‌ها مانند گردشگری، فرآوری مواد غذایی، مشاغل خانگی و بخش نظافت می‌دانند. در اینکه این امر در ایران هم صادق است، تشکیکی جدی وجود ندارد، لیکن، جایگاه و شدت ضعف یا قدرت آن هنوز مشخص نیست. از سویی دیگر، در سطح فراملی، رویکردهایی مانند دستورالعمل کارگران استخدامی اتحادیه اروپا ۲ نگرانی‌هایی را دربارهٔ استانداردهای نیروی کار و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها مطرح نموده است، که به نحوی معرف اجماع عقلای جهانی بر وجود پتانسیل‌های گسترده جهت وقوع انواع جرایم اقتصادی، اجتماعی در صنایع ساخت است.

نظر به مطالعات صورت گرفته، صنعت ساخت مشخصاً در برابر فعالیت‌های مجرمانه و مضر آسیب‌پذیر است و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، دولت‌ها و کسب‌وکارها به نحوی در این فرایند نقش آفرین هستند. از سویی دیگر، پیمانکاری گسترده، پروژه‌های کوتاه‌مدت، فعالیت‌های غیراستاندارد، تصمیمات بهداشتی و ایمنی نامطلوب، ساختارهای پیچیده و غیرشفاف دستمزد و مالیات و نظارت محدود دولتی و مصلحت‌اندیشی‌های تصمیم‌سازان همگی در عواملی مانند بدرفتاری با کارگران، کاهش درآمدهای مالیاتی، کاهش کسب‌وکارهای و وقوع بسیاری جرایم دیگر در صنعت ساخت مؤثر هستند. برای نمونه، گنجی (۲۰۱۶) توسعهٔ زیرساخت‌های جدید برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ قطر را به مرگ هزاران کارگر مهاجر به دلیل ایمنی نامطلوب ربط می‌دهند. در سایر فعالیت‌های مرتبط با صنعت ساخت، شبکه‌های تقلب در مناقصه در کانادا (Reeves-Latour and

Morselli, 2017) تأثیرات مخرب زیست‌محیطی فعالیت‌های عمرانی در هنگ کنگ (Shen and Tam, 2002)؛ نقش کارتل‌ها و رسوایی‌های کلاهبرداری در هلند (Van De Bunt, 2010)؛ خوداشتغالی کاذب در ایرلند (Wickham and Bobek, 2016) و همچنین جرائم اقتصادی و «اقتصاد خاکستری»^۳ در فنلاند (Kankaanranta and Muttillainen, 2010) بحث‌هایی بوده که ساختارهای جرم‌زا که با تصمیمات دولتی در صنعت ساخت مرتبط هستند را به نمایش می‌گذارد. صنعت ساخت در ایران نیز از این فرآیندها و روندهای جرم‌زا مستثنی نیست.

در بریتانیا، حقوق‌دانان، کنشگران اجتماعی و شرکت‌های فعال در عرصه ساخت، اخیراً به تهدیدات مرتبط با «برده‌داری مدرن» و حقوق کارگران واکنش نشان داده‌اند، که در این میان مواردی نظیر آرایش پیچیده ساختارهای زنجیرهٔ تأمین نیروهای انسانی و سیستم مجوزدهی مصلحت محور در قانون توجهات بوده است (CIOB, 2018; FLEX, 2018). لیکن، باید اذعان نمود، گزارش‌های ارائه شده توسط این کنشگران لزوماً ارتباط نامتعارف بین دولت‌ها و شرکت‌ها، یا روابطی خارج از چارچوب سیاسی و اقتصادی قانونی را که منتج به افزایش آسیب‌پذیری‌های ساختاری یا بروز بزه گردد را به صورتی قطعی تأیید نمی‌کنند. بدین جهت، پرسش اصلی این است که با توجه به جایگاه دولت در صنعت ساخت، چه ساختارهایی در صنعت ساخت بریتانیا و ایران شرایط جرم‌زا را فراهم می‌آورد؟ این پرسش این فرضیات را مطرح می‌نماید که برخی از این مناسبات ریشه در عوامل اقتصادی، محیطی و تصمیمات حاکمیتی دارند که در بسیاری از فرایندهای تجاری مشترک است. اما برخی نیز صرفاً در قلمرو و بستر صنعت ساخت قابلیت ظهور دارند که فرآیندهای مشکوک پرداخت حقوق و دستمزد در طرح صنعت ساخت ۴ (CIS) بریتانیا یا نظام مجوزدهی غیر قانونی بر اساس تصمیم برخی مراجع و شوراها در سطح تصمیم‌گیری‌های شهری و حتی ملی را می‌توان به عنوان مصادیقی از این امر مطرح نمود. بر همین مبنا، روابط تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی در این صنعت مورد ارزیابی قرار گرفته است.

این مقاله بر این هدف استوار است که با استفاده از مفهوم ارائه شده توسط برادشاو (۲۰۱۴) از ساختارهای صنعتی جرم‌زا و تحقیقات دیویس (Davies, 2021) که مناسبات جرم‌زایی نظیر تعیین فهرست سیاه کارگران و نظام مجوزدهی مصلحتی در یک نظام سیستماتیک^۵

یا معاملات پایایی نیز حاصل شود. بنابراین، اقتصاد سایه شامل تمامی فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که اگر به مسئولان مالیاتی گزارش شوند، به آنها مالیات تعلق خواهد گرفت (صفری و ادایی، ۱۳۸۹).

^۴ Construction Industry Scheme

^۵ systemic processes

^۱ International Labour Organization (ILO)

^۲ EU Posted Workers Directive

اقتصاد خاکستری یا سایه، اقتصادی است مشتمل بر فعالیت‌های غیرقانونی و حتی فعالیت‌های قانونی که درآمدهای آنها گزارش نشده است. بنابراین اقتصاد خاکستری در معنای عام خود می‌تواند ناشی از تولید کالاها و خدمات قانونی یا معاملات پولی و

دانست. قوانین متعارض و بعضاً متناسب با نیازهای کوتاهمدت و چه بسا بلندمدت اجتماعی-اقتصادی حاکمیت و نه نیازها و حقوق جامعه بیش از آنکه بازدارنده باشد نقش محرک و بعضاً مشوق در رفتارهای مجرمانه ایفا می‌کنند. شاید فقدان تعمدی مانعی مقتدر به همراه نبود نظارتی دقیق بر هنجارشکنی‌ها، به نحوی که بتوان به راحتی و با اندک دقت‌های قوانین موجود را دور زد این پدیده را تشدید می‌نماید. این محققان، برخلاف نظرات پست‌مدرنیسم، معتقدند جرائم جاری در صنعت ساخت واکنش قابل پیش‌بینی صاحبان صنایع و سازندگان به سیاست‌های حاکمیتی است.

اگرچه در ایران تحقیق برجسته‌ای در باب نقش تصمیمات دولتی در مناسبات جرم‌زای صنعت ساخت صورت نپذیرفته است با توجه به آنچه پیش‌تر ذکر شد، به نظر می‌آید دولت، برای بقا و با توجه به پتانسیل‌های کلان اقتصادی-اجتماعی صنعت ساخت و همچنین قابلیت اشتغال‌زایی، جرم در صنعت ساخت را از دریچه ابزاری برای درآمدزایی و پاسخ به بحران‌های اجتماعی می‌بیند و خود به نحوی مروج ساخت و سازهای غیرمجاز و برخی دیگر از جرایم نظیر استفاده از کارگران خارجی و موقت، با حداقل حقوق و مزایا است.

به هر جهت، در ادبیات غرب بررسی عوامل جرم‌زای صنعت ساخت با تکیه بر نقش دولت‌ها و شرکت‌ها (بخش خصوصی) به صورت ملموس‌تری مورد توجه محافل علمی بوده است، که می‌تواند با توجه به شباهت‌های متعدد مشکلات و عوامل جرم‌زا در صنعت ساخت در نقاط مختلف جهان، جدای از نظام حقوقی حاکم بر هر کشور نمایشگر مفاهیم و علل مشابه در ظهور پدیده‌های مجرمانه در صنعت ساخت باشد. البته نمی‌توان منکر این امر بود که هر نظام حقوقی و سیاسی با توجه به پتانسیل‌ها، نیازها و اهداف خود با توجه به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی کشور و همچنین علاقه دولت برای دخالت در تمام امور یا واگذاری این نقش‌ها به شرکت‌ها و سایر مراکز قدرت به شیوه‌های بعضاً متفاوتی در تقویت یا تضعیف عوامل جرم‌زا نقش آفرینی می‌نماید. لیکن، آنچه از منظر جرم‌شناختی واجد اهمیت است، ساختار جرم‌زای منتج از تصمیمات و توافقات حاکمیتی است که در تمام نظام‌ها کم و بیش و به صور مختلف قابل رؤیت است. از نظریات غربی موجود در باب علل شکل‌گیری مناسبات‌های جرم‌زا در صنعت ساخت که مبنای بسیاری از تحقیقات مرتبط با این حوزه بوده است، می‌توان به چارچوب نظری جرائم دولتی-شرکتی

را مورد مطالعه قرار داده است، مناسبات‌های جرم‌زای دولتی-شرکتی را در نظام داخلی ایران در مقایسه با نظام بریتانیا مورد مذاقه قرار دهد.

۱- مطالعه ادبیات

مفهوم «جرم‌زا» را می‌توان در اینجا مناسبات درون صنعت دانست، مانند شبکه‌های تأمین پیچیده، نظارت محدود، و تبانی با نهادهای برون‌سازمانی (دولتی و تصمیم‌گیر) که شرایط را برای وقوع فعالیت‌های مجرمانه سیستماتیک فراهم می‌آورند.

به اعتقاد برخی محققان داخلی، عدم پایبندی به استانداردهای ساختمانی و قوانین موجود، تصرف غیرقانونی زمین، ادامه روندهای طبیعی توسعه، میل به شهرنشینی، تحول در نیازهای اقتصادی و اجتماعی، نیاز به مسکن و اشتغال، کارآیی و کارآمدی ضعیف قوانین، ضمانت اجرایی ضعیف، توزیع ناعادلانه ثروت، سیاست‌های متغییر در اصلاح زمین‌های شهری، میزان سواد و فرهنگ افراد، ضعف مدیریتی و وابستگی مالی شهرداری‌ها و حاکمیت به جرمه‌های ناشی از تخلفات از علل گسترش جرایم ساختمانی شناسایی شده است. منطبق بر نظر اکثر محققانی که در باب تخلفات و جرائم ساختمانی شهرهای ایران تحقیق نموده‌اند (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱-۱۸، پژوهان، و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۹-۲۵۲، رحیمی و پناد، ۱۳۹۱: زمانی، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۱۸، محمدی و میرزائی، ۱۳۹۴: ۱۹۵-۲۱۴)، علل اقتصادی اولین انگیزه برای بروز تخلفات و جرایم ساختمانی است، زیرا ارزش افزوده حاصل از تفاوت بین جرمه‌های شهرداری با قیمت روز بنای اضافه شده معمولاً قابل مقایسه نیست و هزینه قانون شکنی کمتر از منافع آن است. در بسیاری از پرونده‌های موجود در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها به وضوح اندیشه و برنامه‌ریزی برای قانون شکنی از مراحل برنامه‌ریزی اولیه طرح قابل مشاهده است. بر همین اساس می‌توان عنوان نمود منافع اقتصادی ناشی از جرایم جاری در صنعت ساخت در بردارنده منافع قابل توجهی برای بخش خصوصی و حتی دولت است که به نحوی نشانگر نقش خود دولت در بروز جرائم و سیاست‌های جرم‌زای حاکمیتی است. البته حاکمیت با بحران‌های اجتماعی دیگری مانند بیکاری گسترده در کنار معضلات اقتصادی نیز روبروست که فعال یودن صنعت ساخت به هر قیمتی ولو با تعرض به حقوق کارگری و جذب منابع مالی به هر قیمتی می‌تواند، بستری مناسب برای پاسخ به این نیازها هرچند ناقص باشد.

از دیدگاه جرم‌شناسان انتقادی مؤلفه قانون که متأثر از نظرات و نیازهای صاحبان قدرت و سرمایه است (نجفی ابرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷) را باید دیگر مؤلفه موثر در رونق جرم در صنعت ساخت

مفهوم جرائم دولتی-شرکتی در گفتمان جرم‌شناسی غربی برای تبیین پیوند تصمیم‌گیری سیاسی-اقتصادی دولت‌ها و شرکت‌ها بسط یافته است و از نگاه جرم‌شناختی چرایی، چگونگی و تأثیرات مخرب اجتماعی بر طیفی از گروه‌ها را مشخص می‌نماید. مطالعه میکالوفسکی و کرامر ۱۲ (۲۰۰۶) شامل مدل نظری یکپارچه‌ای از جرائم دولتی-شرکتی است، که فرصت‌ها، انگیزه‌ها و کنترل‌های اجتماعی مربوط به دولت و انحرافات شرکتی در سطوح تعاملی (خرد)، سازمانی (مزو) و سیاسی-اقتصادی-نهادی (کلان) را تحلیل و روابط ناگسستگی بین سیاست، اقتصاد و تلاقی بین آسیب‌های دولتی و شرکتی را بررسی می‌نماید. از نظر این محققان، سازمان‌ها کانون اصلی تحلیل هستند، که در محیطی نهادی و فرهنگی ریشه دوانده‌اند و بازیگران فردی در آن فعالیت می‌کنند.

برادشاو (۲۰۱۴)، با بسط مطالعه میکالوفسکی و کرامر، معتقد است که در این صنعت تحلیل بین سطوح سازمانی و سیاسی-اقتصادی مغفول مانده است. بر این اساس، مطالعه برادشاو (۲۰۱۴) دربارهٔ صنعت نفت ایالات متحده در رویکرد «ساختارهای صنعتی جرم‌زا» سیر می‌کند که سطح تحلیل صنعت را بین سطوح سازمانی و سیاسی-اقتصادی موجود در تحقیقات پیشین جرائم دولتی-شرکتی در نظر می‌گیرد.

محققان انتقادی، به موازات مطالعات جرائم دولتی-شرکتی، معتقدند که دستور کار جرائم دولتی-شرکتی صرفاً تحلیلی جزئی از جرم و آسیب‌ها را ارائه می‌دهد. در حالی که برنات و وایت (۲۰۱۷) مطالعات موردی جرائم دولتی-شرکتی را برای نشان دادن جنبه‌های بنیادین آن مفید می‌دانند و معتقدند که این‌گونه بحث‌ها معمولاً بیش از حد بر «لحظات گسست» در رابطه با فرآیند انباشت سرمایه تمرکز دارند. به همین ترتیب، همان‌طور که تامیز ۱۳ (۲۰۱۲) معتقد است، مطالعه میکالوفسکی و کرامر (۲۰۰۶) با اشاره به این‌که سامانه‌های تولید گسترده‌تر مانند سرمایه‌داری فراتر از گستره مدل نظری آنهاست، بر «لحظات خاص» تأکید می‌کند. بنابراین، برنات و وایت (۲۰۱۷) مفهوم «هم‌زیستی دولت و شرکت‌ها» را برای تحلیلی دقیق و ریشه‌دار از ارتباطات تاریخی و سیاسی-اقتصادی بین دولت‌ها و شرکت‌ها ارائه دادند. آنها استدلال می‌نمایند که این‌گونه روابط، به‌جای مجموعه‌ای

میکالوفسکی و کرامر ۶ (Michalowski and Kramer, 2006) اشاره کرد. این محققان ابزاری را برای تحلیل فرآیندهای تعاملی (خرد)، سازمانی (متوسط) و اقتصادی-نهادی-سیاسی (کلان) فراهم می‌کند و تأثیر تصمیمات دولتی و شرکت‌های مرتبط با فعالیت‌های عرصه ساخت را مورد کنکاش قرار می‌دهند. عده‌ای (Bernat and Whyte, 2017) نیز با تکیه بر این چارچوب، معتقدند که بسیاری از تصورات جرائم دولتی-شرکتی معمولاً بیش از حد بر «لحظه‌های گسست ۷»، یعنی رویدادها یا حوادث متمایز و عموماً آنی، تمرکز می‌کنند و ارزیابی ژرف‌تر اقتصاد سیاسی یا فرآیندهای انباشت سرمایه در هم‌زیستی دولتی-شرکتی در چرخه جرم‌زا مغفول مانده است و آن را یک فرایند بلند مدت نمی‌داند. با این حال، بحث «سطح صنعت» برادشاو ۸ (Bradshaw, 2015)، که بین سطوح تحلیل سازمانی (متوسط) و اقتصاد سیاسی (کلان) قرار دارد، احتمالاً به رفع شکاف‌های مهم بین تصورات انتزاعی فرآیندهای تولید کلان و «لحظات گسست» سطوح خرد یا متوسط کمک می‌کند. این امر با بررسی وسیع‌تر رویه‌های سطح خرد یا متوسط انجام می‌شود، و هم‌زمان، می‌توان مباحث سطح کلان دربارهٔ فرآیندهای تولید و انباشت سرمایه را به زمینه‌های ملموس‌تری پیوند دهد.

باید توجه داشت چارچوب‌های جرائم در صنعت ساخت به فرآخور حوزه مطالعاتی طیف گسترده‌ای از مباحث را در بر می‌گیرد و در این میان مباحث مرتبط با جرائم دولتی-شرکتی و در سطح کلان را نباید با مباحث دیگر جرائم صنعت‌ساخت به ویژه در سطح خرد در هم آمیخت. در سطح خرد، مرتکبین جرائم معمولاً بزه‌کارانی کوچک در صنعتی سالم به تصویر کشیده می‌شوند. برای نمونه، مؤسسه منشور ساختمان ۹ بر جرائم فردی مانند سرقت بین کارگران در کارگاه‌ها و نقش گروه‌های بزه‌کار سازمان‌یافته در نفوذ به صنعت ساخت تأکید می‌کند (CIOB, 2018)؛ در حالی که گروه کارفرمایان انجمن خدمات آزادکاران و پیمانکاران ۱۰ (FCSA, ۲۰۱۷) مسئله سازندگان «کابویی ۱۱» و سایر بازیگران صنعت ساخت را به رسمیت می‌شناسد. اگرچه این مسائل حائز اهمیت هستند، لیکن در این میان، جرائم متفاوتی نیز وجود دارد که بررسی آنها به‌لحاظ عملکرد و همکاری دولت‌ها و شرکت‌ها مهم است که بحث این تحقیق می‌باشد.

۲- جرائم دولتی-شرکتی در سطح «صنایع جرم‌زا»

^{۱۱} بر اساس تعریف دیکشنری لانگم انگل‌زبانگان کاپیو افرادی هستند که من دن‌شتن پروانه یا صلاحیت حرفه‌ای یا تخصص کافی به صورت غیر استاندارد اقدام به ساخت ساختمان‌ها می‌نمایند.

^{۱۲} Michalowski and Kramer

^{۱۳} Tombs

^۶ Michalowski and Kramer

^۷ Moments of Rupture

^۸ Bradshaw

^۹ Chartered Institute of Building

^{۱۰} Freelancer and Contractor Services Association

نظیر مسکن مهر یا مسکن ملی انبوهی از مسکن‌های اقتصادی را بسازد این امر قابل مشاهده است.

با وجود این انتقادات، کماکان می‌توان درباره شیوه‌های تولید سرمایه‌داری بحث کرد که باید بر اساس ملاحظاتی عملی باشد. بر این اساس، تحلیل سطح صنعت بردشاو (۲۰۱۴) ظاهراً هم برای مدل نظری ادغام‌شده میکالوفسکی و کرامر (۲۰۰۶) و هم برای پاسخ‌های انتقادی بعدی به آن ارزشمند است زیرا سطح صنعت احتمالاً نقطه اتکابی بین سامانه‌های تولید و فرآیندهای سازمانی است. این ارتباطات زمینه وسیع‌تری را برای شیوه‌های سازمانی و صنعتی فراهم می‌کند و لذا ادعاهای انتزاعی درباره هم‌زیستی دولتی-شرکتی در فعالیت‌های بازاری مربوط با فرآیندهای ملموس‌تری مطرح می‌شود. به هر جهت، همراه با این تحولات نظری درباره جرائم و آسیب‌های دولتی-شرکتی، به‌ویژه در رابطه با جرائم مرتبط با کارفرمایان و آسیب‌هایی مانند استثمار نیروی کار و ایمنی محل کار، در حال حاضر در صنعت ساخت بر گفتمان جرم‌شناسی به‌میزان کافی تمرکز نداشته است.

۳- چالش‌های معاصر در صنعت ساخت بریتانیا

در سال ۲۰۱۹، ارزش صنعت ساخت برای اقتصاد بریتانیا حدود ۱۱۹ میلیارد پوند بوده که تقریباً معادل ۶ درصد از کل اقتصاد این کشور است و ۲.۴ میلیون شغل یا تقریباً ۷ درصد از اشتغال ملی این کشور را فراهم نموده است. از سال ۲۰۱۹، بیش از ۲۹۰ هزار کسب‌وکار در صنعت ساخت بریتانیا ثبت شده است (Rhodes, 2019)، به‌طوری که ۹۹٪ از آنها بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط ۱۴ هستند، این صنعت در بریتانیا از زمان بحران مالی اقتصادی سال ۲۰۰۸ آن کشور بهبود کندی را تجربه کرد، اما از سال ۲۰۱۳ هر سال به‌شکل پیوسته رشد کرد که نگرانی‌های متعددی در ارتباط با فعالیت‌های اصلی آن را به وجود آورده است.

عدم سرمایه‌گذاری بلندمدت دولت و کارفرمایان در صنعت ساخت به آسیب‌پذیری‌های متعددی برای این صنعت انجامیده است، که در مطالعه فارمر درباره مدل نیروی کار در صنعت ساخت بریتانیا، مورد بررسی قرار گرفته است (Farmer, 2016) به‌دلیل این نوع سرمایه‌گذاری ناکافی، کارگران صنعت ساخت بریتانیا معمولاً فقط یک مهارت دارند، یعنی فقط در یک فعالیت مانند نقاشی یا بنایی تخصص دارند، که در تضاد با بسیاری از صنایع ساخت اروپاست که کارگران آنها اغلب چندین مهارت دارند (Chan, Clarke and Dainty, 2010).

از شرایط در مکان و زمان که برای تبیین جرائم دولتی-شرکتی گرد هم می‌آیند، در درازمدت شکل گرفته‌اند (Tombs and Whyte, 2020). به‌بیان ساده‌تر، این‌گونه محققان انتقادی معتقدند که نقش قدرتمندتر سامانه‌های تولید که همانا سرمایه‌داران هستند و روابط دولتی-صنعتی-شرکتی، به‌جای اقدامات محتاطانه‌ای که گهگاه برای تسهیل جرائم انجام می‌شود، در تبیین جرائم و آسیب مفید خواهد بود.

بنابراین، جرائم دولتی-شرکتی در صنعت ساخت طیفی از آسیب‌ها را دربرمی‌گیرد که یا فعالانه بر اساس فرآیندهای دولتی-شرکتی یا از طریق نوعی «رژیم مجزودهی» تسهیل می‌شود که به دولت‌ها و شرکت‌ها امکان حفظ استانداردهای محدودی را در صنعت می‌دهد و طیف‌های مختلفی از احاد جامعه به ویژه قشر ضعیف و کارگری را در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. مشخصاً، وایت (۲۰۱۴) معتقد است که شرکت‌ها و نفوذ آنها به این رژیم‌های مجزودهی انکار ناپذیر است و به موجب آن دولت‌ها چارچوبی را برای واحدهای اصلی شرکت‌ها متناسب با نیاز آنها فراهم می‌کنند. این واحدها شامل توانایی فعالیت شرکت‌ها به‌عنوان نهادهای جداگانه برای استخدام کارگران و خرید یا فروش محصولات است که بخشی از آنها ممکن است شامل توسعه زنجیره‌های تأمین پیچیده و رده‌های نامشخص پاسخگویی شرکتی و نیز بهره‌برداری از ارزش مازاد آتی به سرمایه‌بازارهای سهام است. بنابراین، صرفاً تمرکز بر «لحظات» محتاطانه در واقع هم‌زیستی موجود بین دولت‌ها و شرکت‌ها را در نظر نمی‌گیرد، که سودآوری کسب‌وکارها و همکاری نزدیک‌تر بین مؤسسات دولتی و خصوصی را در اولویت قرار می‌دهد. این شرایط در واقع زمینه پیچیده‌ای را برای گسترش جرائم و آسیب، نه‌تنها در شرکت‌ها بلکه در دموکراسی‌های سرمایه‌داری (نتولبرال)، فراهم می‌کند (David Whyte, 2014). اگرچه عنوان «جرائم دولتی-شرکتی» در ادبیات حقوقی داخلی مرسوم نیست، لیکن مثال‌های زیادی را می‌توان ذکر نمود که در آن دولت در ارتباط با بخش خصوصی نقش پرننگی در وقوع بزه ایفا می‌کند. از مصادیق بارز داخلی این امر می‌توان به رابطه دولت و برخی شرکت‌های خودروساز داخلی اشاره کرد که تصمیماتی هم‌نوا با نیاز این شرکت‌ها از جانب دولت به وفور دیده می‌شود و در عین حال تلاش می‌شود حداقل استناداردی در مجزودهی‌ها مد نظر باشد و در برخی موارد با مسامحه از کنار نقایص موجود گذر می‌شود، که سودی متقابل برای دولت و شرکت‌ها فراهم می‌آورد. در صنعت ساخت نیز به ویژه در مواردی که دولت سعی می‌کند تحت عنوانی

نمی‌کنند، و در سایر هزینه‌های شغلی مستقیم مانند استخدام، آموزش، تعطیلات و دستمزد استعلاجی نیز صرفه‌جویی قابل توجهی می‌کنند (Seely, 2019).

در سال‌های اخیر، با توجه به امکان کاهش هزینه‌های اشتغال برای کسب‌وکارها، نگرانی‌هایی درباره خوداشتغالی کاذب در بریتانیا مطرح شده است، که به موجب آن کارگران ادعا می‌کنند مستقل کار می‌کنند، اما در عمل شرایط کاری ویژه‌ای به آنها تحمیل می‌گردد یا به نوعی استثمار می‌شوند. در سال ۲۰۱۳، دولت بریتانیا، به‌جای ثبت خوداشتغالی، شرکت‌های مرتبط با صنعت ساخت را به استخدام کارگران تشویق کرد. این راه‌حل مشخص برای مشکلات خوداشتغالی راه را برای «شرکت‌های چتر» صنعت هموار کرده است، که در واقع کارفرمایان رسمی برای کارگران ساختمان هستند. با این حال، شرکت‌های چتر، ساختار دستمزد حقوقی و پیچیده‌ای را برای کاهش هزینه‌های کارفرمایان مانند بیمه کارگران دارند، که در نهایت دستمزد کمتری نسبت به دستمزد ساعتی می‌دهند.

مانند بسیاری از بخش‌های دیگر، نظارت چند لایه‌ای و طولی بر صنعت ساخت مقبولیت زیادی ندارد و سعی می‌شود در استفاده بی‌رویه از قدرت و نظارت بی‌فایده اجتناب شود که مبتنی بر پیش فرض صداقت و درستی کار توسط نقش‌آفرینان صنعت ساخت است. با این وجود، در بریتانیا، مسئولان نظارتی متعددی در عرض یکدیگر وجود دارند که سطح مسئولیت آنها برای نظارت بر جنبه‌های مختلف کاری متفاوت است، برای نمونه، در باب نیروی کار و شیوه‌های استثمار آنان، اداره نظارت بر سوءاستفاده از نیروی کار و گنگ‌مسترز، ۱۶ گروه نظارت بر حداقل دستمزد ملی ۱۷، سازمان استانداردهای استخدام، ۱۸ و مدیر بهداشت و ایمنی ۱۹ این امور را به عهده دارند. البته، به‌دلیل مسائل مربوط به عدم پرداختی و نیز کمبود بودجه، این‌گونه سازمان‌های دولتی محدودیت‌های مشخصی دارند و به نوعی مصلحت‌اندیشی اگر چه موردی و کم‌رنگ، در اقدامات آنان قابل رویت است.

در راستای قانون‌مداری در فرایندهای کاری و حفظ حقوق فعالان و کارگران حرفه‌ای در بریتانیا، قانون برده‌داری نوین سال ۲۰۱۵، ۲۰ با ملزم کردن شرکت‌های بزرگ به انتشار بیانیه شفافیت سالانه، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را افزایش داده و لذا کوتاهی دولت‌ها

توجه به این مشخصه در صنعت ساخت بریتانیا، کسب‌وکارها در آن کشور خواهان استخدام نیروی کار مهاجر آموزش‌دیده هستند که تقریباً ۱۱٪ از نیروی کار صنعت ساخت بریتانیا را تشکیل می‌دهد و این رقم در مناطقی مانند لندن حدود ۵۰٪ است (FLEX, 2018). با توجه به ماهیت کوتاه‌مدت بسیاری از قراردادهای صنعت ساخت، شیوه‌های کاری انعطاف‌پذیر مانند خوداشتغالی در این صنعت حاکم است و بیش از ۷۱۰ هزار کارگر خوداشتغال وجود دارد. طبیعتاً، خوداشتغالی حفاظت شغلی کمتری دارد، به‌ویژه برای آن دسته از کارگرانی که در مشاغل خطرناک و کم‌دستمزد که خطر آسیب و مرگ را به‌همراه دارند، مشغول به کارند. جالب است که، در «تعطیلات» مارس ۲۰۲۰ در طول بحران کووید-۱۹ در بریتانیا، کارگران ساختمان در بین آخرین گروه از کارگران «غیرضروری» بودند که، با وجود خطرات بهداشتی و ایمنی اعلام‌شده، کار را متوقف نکردند و اولین گروهی بودند که به کار بازگشتند. مضافاً، در طرح صنعت ساخت‌وساز بریتانیا (CIS)، روش پرداخت منحصر به فردی وجود دارد که به موجب آن کارگران خوداشتغال در این صنعت حقوق خود را بدون هر نوع کسری مربوط به بیمه و مزایای مازاد دریافت می‌کنند، بدین معنا که بر اساس قوانین کار و تأمین اجتماعی از حمایت کمتری برخوردار هستند. بنابراین، به نظر می‌آید نیروی کار موجود در این صنعت، بسیار آسیب‌پذیرتر از سایر اقشار هستند.

البته این موضوع قابل انکار نیست که صنعت ساخت در بریتانیا به نحوی تحت سلطه کارفرمایان و پیمانکاران بخش خصوصی است، اگرچه بخش دولتی نیز به‌ویژه در پروژه‌های زیرساختی تأثیر قابل توجهی دارد. در حالی که این صنعت شامل پیمانکاران بزرگ چند ملیتی است که پروژه‌ها را رهبری می‌کنند، بخش عمده امور به وظایف تخصصی در بین پیمانکاران فرعی کوچک‌تر، تأمین‌کنندگان مصالح، تولیدکنندگان قطعات، تأمین‌کنندگان نیروی کار و شغل‌های حرفه‌ای (مانند مهندسی) تقسیم می‌شوند، که به شبکه‌های تأمین پیچیده و احتمالاً صدها شرکت دخیل در پروژه‌های بزرگ‌تر پیوند خورده‌اند. از آنجایی که در نظام بریتانیایی اشتغال دائم بسیار دشوار است بسیاری از کارگران گزارش می‌دهند که کارایی در هر موقعیت دیگری دشوار است. مضافاً، استفاده از کارگران خوداشتغال برای کارفرمایان هزینه کمتری دارد، زیرا هزینه‌ای بابت بیمه یا مزایای بازنشستگی پرداخت

^{۱۸} Employment Standards Agency

^{۱۹} Health and Safety Executive

^{۲۰} Modern Slavery Act

^{۱۵} Umbrella Company، نوعی شرکت نوظهور در بریتانیا است که، مع لاً از طریق ا.ارات استخدام، پیمانکاران الزامی را با قرارداد م. ق. استخدا می‌کند.

^{۱۶} Gangmasters and Labour Abuse Authority

^{۱۷} National Minimum Wage team

به تدریج با مناقصه‌های رقابتی و شیوه‌های پیمانکاری فرعی مرتبط با فعالیت‌های بخش خصوصی جایگزین گردید. این فرآیند به پرسش‌های گسترده‌تری درباره فرآیند تدارکات و مخارج پروژه‌های صنعت ساخت، از مرحله طراحی تا تکمیل و حتی پس از آن، انجامیده است. در واقع، بر اساس نتیجه‌گیری برخی محققان (Tombs and Whyte, 2020)، حوادث ساختمانی نظیر گرفتگی ۲۲ در سال ۲۰۱۷ ناشی از نقص‌های نظام‌مند در کیفیت طراحی، نظارت و مجوزدهی احداث و نوسازی ساختمان‌هاست. با این حال، به دلیل مشکلات ساختاری مختلف که اغلب با نتولیرالیسم و دموکراسی سرمایه‌داری مرتبط است، بسیاری از شرکت‌ها برای نمایش تصویری از مسئولیت اجتماعی خود دست به اقدامات دولتی مانند ارائه «بیانیه شفافیت» زده‌اند. با این‌که اثربخشی این ابتکارات بسیار مورد سؤال است، لیکن، با انجام این اقدامات، دولت می‌تواند ادعا کند که برای کاهش نفوذ بیش از حد شرکت‌ها بیکار ننشسته است و همزمان با مجازات‌نکردن شرکت‌ها به دلیل عدم رعایت این مورد، خود را حامی کسب‌وکارها معرفی کند!

۵- دو نمونه از هم‌زیستی دولت و شرکت‌ها در مناسبت‌های جرم‌زای صنعت ساخت بریتانیا و ایران

نمونه‌های ذکر شده اقدامی نظری برای ترسیم برخی از تنش‌ها و تفاوت‌های ظریف در حوزه‌های جرائم دولتی-شرکتی و صنعت ساخت هستند. در اینجا دو نمونه انتخاب شدند که سطوحی از تباری دولتی و شرکتی در تسهیل آسیب‌رسانی و بروز جرم در صنعت ساخت را نشان می‌دهند و مشتمل بر فرآیند تعیین فهرست سیاه انجمن مشاوره ۲۳ (CA) و فرآیند مجوزدهی در ساختمان متروپل آبادان است. این دو نمونه شامل انواعی از اقدامات و کوتاهی‌های جرم‌زا اجتماعی دولتی-شرکتی در ارتباط با شرایط کار، تسهیل در مجوزدهی و چالش‌های بومی بلندمدت در صنعت ساخت هستند. اگرچه موارد متعددی از آسیب در صنعت ساخت بریتانیا و ایران وجود دارد که ممکن است با چارچوب جرائم دولتی-شرکتی مرتبط باشد، نمونه‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند صرفاً توصیفی هستند. این نمونه‌ها عمدتاً به این دلیل انتخاب شدند که در مورد انجمن مشاوره، تنش

این ساختمان از متریال اشتعال‌زا استفاده شده بود که با اولین آتش سوزی کوچک در این ساختمان آتش به سرعت به کل ساختمان سرایت می‌کند و ۷۲ قربانی می‌گیرد. عده‌ای این فاجعه را در پیوند با فساد موجود در ساختارهای دولتی، اجرایی و نظارتی می‌دانند.

^{۲۳} Consulting Association

به‌خاطر استثمار نیروی کار را تا حدی به شرکت‌ها نسبت داده است. علاوه بر این، اگرچه اتحادیه‌های کارگری برای مقابله با افراط‌گری‌های مضر کنترل کارفرمایان و دولت بر کارگران تأسیس شده‌اند، عضویت در این اتحادیه‌ها در بریتانیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به تدریج کاهش یافته و به‌ویژه در صنعت ساخت چندان چشم‌گیر نبوده است (CIOB, 2018). آسیب‌پذیری‌های ساختاری فوق حاکی از تأثیر متقابل بین دولت‌ها و شرکت‌ها به‌صورت فعال یا غیرمستقیم برای تقویت فرآیندهای جرم‌زا است. در واقع در این فرآیند دولت قصد حل مشکل را ندارد و قصد او شانه خالی کردن از مسئولیت است. به عبارتی دیگر، دولت برخی وظایف خود را در قالب یک حرکت نمادین به افرادی می‌سپارد که در مظان اتهام هستند.

۴- مناسبات سیاسی-اقتصادی صنعت ساخت انگلستان

تحولات مرتبط با فرآیندهای تولید سرمایه‌داری در طول زمان و نیز تعبیر جدیدتر از «نتولیرالیسم ۲۱» به تقویت شرایط جرم‌زا در صنعت ساخت انجامیده است. ظهور نتولیرالیسم در عصر حاضر با عواملی مانند کارآفرینی، بازار آزاد، افزایش خصوصی‌سازی، سخت‌تر شدن شرایط کار، و تضعیف نظارت، ارتباط گسترده‌ای دارد (LeBaron et al., 2018). پیش‌تر، کارگران ساختمان که زیرساخت‌های فیزیکی دولت بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم را احداث و تعمیر می‌کردند، مستقیماً و به‌طور دائم از سوی شوراهای محلی استخدام می‌شدند. علاوه بر این، تا اواخر دهه ۱۹۶۰، کارگران ساختمان که به‌شکل مستقیم استخدام می‌شدند، محصولاتی با کیفیت بالاتر و به‌صرفه‌تر نسبت به پیمانکاران خصوصی (فرعی) تولید می‌کردند. شیوه‌های شغلی بازارمحور از دهه ۱۹۶۰ به بعد به تشدید قراردادهای فرعی انجامید، که حمایت از نیروی کار را کاهش داد و اتحادیه‌های کارگری را با مشکل مواجه کرد، فرآیندی که در دهه ۱۹۸۰ به اقداماتی در جهت غیرقانونی‌سازی اتحادیه‌ها انجامید، که تا حدی به دلیل بازاری‌سازی خدمات و صنایع دولتی بود.

بنابراین، به‌ویژه در عرصه ساخت عمومی، خصوصی‌سازی حاکی از اضمحلال اشتغال مستقیم اتحادیه‌ای در شوراهای محلی بود، که

^{۲۱} نتولیرالیسم نظریه‌ای در باب اقتصاد سیاسی است که برای نیل به آزادی‌های کارآفرینانه و توانایی‌های فردی ظهور یافته است. نتولیرالیسم در قالب نهادهای با مولفه‌های حقوق و مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد شناخته می‌شود.

^{۲۲} گرفتگی برجی ۲۴ طبقه در یکی از محله‌های ثروتمند لندن بود که در سال ۱۹۷۰ ساخته شد و در سال ۲۰۱۶ بازسازی گردید. در نمای

افراط‌گرایی ملی ۲۷ (Netcu) در جلسه‌ای در سال ۲۰۰۸ برای مدیران صنعت ساخت سخنرانی کرده است. بر اساس این جلسه، نوعی تبادل اطلاعاتی آغاز شد و از کدهایی برای نشان دادن افراد نامطلوب استفاده شد. گستره واقعی نقش سرویس‌های امنیتی در CA، تا حدی به دلیل رد شدن درخواست انتشار اطلاعات، کماکان خلأ کلیدی در درک کامل موضوع فهرست سیاه است. ثانیاً، در این نمونه، پرسش‌هایی پیرامون نظارت دولتی بر کارگران وجود داشت و این ادعا مطرح بود که به نحوی از آنها جاسوسی شده است.

آنچه از نمونه CA برمی‌آید این است که سازمان‌های دولتی و صنعت ساخت، از جمله شرکت‌ها، هر کدام در سطوح تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی، یعنی تباری بین سازمان‌های دولتی و نهادهای شرکتی-صنعتی، سود می‌برند و بر دیگری تکیه می‌کردند. از دیدگاه دولتی، امکان دارد که تعیین فهرست سیاه اعضای اتحادیه تحت پوشش مقابل با تروریسم و براندازی داخلی قرار گیرد. با این حال، فهرست سیاه در صنعت ساخت نمونه مجزایی نیست - بلکه شواهدی از فهرست سیاه در سایر بخش‌ها مانند امنیت خصوصی نیز وجود دارد. در این مورد به دلیل تنش‌های بلندمدت بین دولت‌ها و اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا، تا حدودی، ابهامات بیشتری وجود دارد که برنامه‌های واقعی دولت با پوشش نگرانی‌های «امنیتی» پوشانده شوند. با وجود این تنش، تباری دولتی-شرکتی در صنعت ساخت امکان کنترل قابل توجه اتحادیه‌های کارگری و کارگران را فراهم کرده است. با اشاره به مفهوم «شرایط مجوزدهی»، می‌توان فهمید که چگونه همکاری بین دولت، CA و شرکت‌های صنعتی به دلیل انحراف از مسیر اجتماعی «عادی» برقرار نشده، بلکه ناشی از شرایط استاندارد تجارت در طول زمان است.

۵-۲- حادثه متروپل آبادان

حادثه ریزش ساختمان متروپل که با فوت ۴۳ نفر همراه بود را باید یکی از بحران‌های اولیه و مؤثر در بحران‌های بعدی حاکمیت در سال ۱۴۰۱ دانست. آنچه خشم عمومی را برانگیخت اعتقاد به نقش حاکمیت به عنوان یک عامل غیرمستقیم در بروز این فاجعه و اثرات بعدی آن بود. اما آیا واقعاً حاکمیت به نحوی تسهیل‌کننده وقوع چنین حادثه (جرمی) بوده یا می‌توانسته است از وقوع آن ممانعت نماید؟

گسترده‌ای در صنعت بین اتحادیه‌های کارگری، شرکت‌های ساخت، دولت بریتانیا و یک نهاد صنعتی به وجود آورد. نمونه متروپل هم به جهت گستردگی فاجعه و وجود ساختار جرم‌زا در نهاد شهرداری یا احتمالاً مصلحت‌اندیشی حاکمیتی برای پاسخ به نیازهای شهری از نظر جرم‌شناسی و مشخص نمودن روابط جرم‌زا دولتی-شرکتی حائز اهمیت است.

طبیعتاً، این نمونه‌ها طیف کاملی از آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی و مالی صنعت ساخت را نشان نمی‌دهند، اما شمه‌ای از ساختار جرم‌زای تصمیمات دولتی را روشن می‌سازد که در گفتمان جرم‌شناسی به ویژه در نظریات انتقادی جایگاه درخوری دارد.

۵-۱- فهرست سیاه انجمن مشاوره و اتحادیه‌های کارگری بریتانیا

در سال ۲۰۱۶، پس از آن که برخی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ساخت بریتانیا، مانند بالفور بیٹی و سر رابرت مک‌آلپاین ۲۴، بیش از ۲۵۰ کارگر ساختمان را در فهرست سیاه قرار دادند، به این کارگران بابت سازه‌های خارج از دادگاه ۱۰ میلیون پوند پرداخت شد. این فهرست سیاه به بیکاری صدها کارگر و پیدا نکردن شغل جدید برای آنان انجامید، زیرا در فرآیند تعیین نگرانی‌های مشروع محل کار، از جمله شرایط کار و مسائل بهداشتی و ایمنی، به این کارگران برچسب «مشکل‌ساز» زدند (Druker, 2016). فهرست سیاه از اوایل دهه ۹۰ میلادی در بریتانیا فعال بوده است، به طوری که صنعت ساخت بیش از سه هزار کارگر ساختمان را از طریق سازمانی بزرگ به نام «انجمن مشاوره» (CA) رصد می‌کردند، که در نهایت دفتر کمیسر اطلاعات ۲۵ (ICO) آن را برچید.

در ظاهر، بزه‌کاری صنعتی در این نمونه از انجمن مشاوره مشهود است زیرا یک پایگاه داده محرمانه حاوی اطلاعات شخصی کارگران و اظهارات افتراءآمیز درباره آنها را گردآوری کرده است، که به موجب آن سایر شرکت‌ها از آن برای اهداف خود استفاده می‌کردند. همان‌طور که ذکر شد، این مسئله پیامدهای قابل توجهی برای بسیاری از فرصت‌های شغلی کارگران داشته است. همچنین، شواهدی از تباری دولتی فعال در این فعالیت شرکتی وجود داشت. اولاً، اطلاعات موجود در پرونده‌های کارگران فقط ممکن بود از سرویس‌های امنیتی به دست آمده باشد، که وجود برخی «تأییدات امنیتی» را می‌توان به عنوان مصداقی از آن برشمرد. به علاوه، ایان کر، ۲۶ رئیس سابق CA، در مصاحبه‌ای اعتراف کرد که یک مسئول از واحد هماهنگی تاکتیکی

^{۲۶} Ian Kerr

^{۲۷} National Extremism Tactical Co-ordination Unit

^{۲۴} Sir Robert McAlpine

^{۲۵} Information Commissioner's Office

ساختمان متروپل چه ترتیباتی را طی نموده و چرا شهرداری و شوراها دارای چنین اختیاراتی هستند که بتوانند برای بسیاری از موارد قانونی راه‌گریزی بیابند و با خیالی آسوده طرح تفصیلی را زیر پا گذاشته و با تمسک به طی شدن یک فرایند فرمالیته وظیفه قانونی خود را انجام شده بدانند؟

در این مثال، شهرداری این قابلیت را داشته که در فرآیند مجوزدهی تا سرحد امکان چشم‌پوشی نماید و از باب پیگیری موضوع توسط سایر مراجع هم چنان آسوده خاطر بوده که اگر این حادثه رخ نمی‌داد به احتمال زیاد همچون بسیاری از پروژه‌های دیگر که بر مبنای غیر اصولی ساخته شده‌اند هرگز کشف نمی‌گردید. شاید علت این امر را بتوان نیاز به برآورده کردن نیازهای اجتماعی-اقتصادی جامعه عنوان نمود که حاکمیت از برآورده کردن آن عاجز مانده و چاره‌ای جز چرخاندن این چرخ معیوب را ندارد.

از سویی دیگر واگذاری برخی امور به نهادهای محلی از جمله شوراها شهر و انتخاب شهرداران از طریق این نهادها اگرچه حرکتی شایسته است، نبود ضابطه‌ای دقیق برای انتخاب شهرداران سبب گردیده افرادی فاقد توان علمی و فنی این جایگاه‌ها را اشغال نمایند. به نظر تفویض اختیارات گسترده به نهادهای محلی بدون چارچوبی جامع به ویژه در مباحث مدیریت شهری بر پتانسیل جرم‌زای تصمیمات شهری و شهرداری‌ها افزوده است.

نتیجه

هدف مقاله حاضر ارزیابی ساختارهای صنعتی جرم‌زا در صنعت‌ساخت ایران و انگلستان بوده است. قطعاً، بررسی کلیه ابعاد فعالیت‌های مجرمانه و جرم‌زا در صنعت‌ساخت امکان‌پذیر نیست، لیکن با مطالعه ادبیات موجود، سعی شد مسائل کلیدی پیرامون نقش دولت در فعالیت‌های شرکتی (بخش خصوصی)، هم به‌لحاظ تبانی فعال و هم تسهیل منفعلانه، بررسی گردد. با این حال، نمونه‌های ارائه شده به‌خودی‌خود برای تبیین مقیاس کامل هم‌زیستی دولتی-شرکتی کافی نیستند و از دیرباز، وابستگی متقابل سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای بین دولت‌ها و شرکت‌ها در این صنعت وجود داشته است.

از ۲۱ متهم پرونده حادثه متروپل، افرادی نظیر، نماینده فنی و عامل کنترل پروژه از طرف شهرداری آبادان، سرپرست دفتر نمایندگی سازمان نظام مهندسی، سرپرست شهرداری و شهرداران آبادان و سرپرستان معاونت فنی و شهرسازی شهرداری از لحظه ورود شهرداری به مراحل تصویب اجرای این پروژه تا زمان ریزش تحت عنوان تسبیب در قتل شبه عمد به واسطه عدم رعایت نظامات دولتی و ایمنی تحت تعقیب قرار گرفتند که نمایندگان رگه‌هایی از نقش حاکمیت (ملی یا محلی) به صورت غیرفعالانه و دراز مدت در ظهور جرم است.

شرح واقعه بدین صورت است که، سازنده (آقای ح. ع) در سال ۱۳۹۲ به شهرداری پیشنهاد مشارکت در سرمایه‌گذاری برای پروژه متروپل را می‌دهد که در شورا و هیات عالی سرمایه‌گذاری شهرداری آبادان مطرح می‌گردد و بدون مطالعات امکان‌سنجی مورد پذیرش قرار می‌گیرد و سپس برای طی نمودن فرایند فرمالیته قانونی، ۲۸ پیشنهادی با شرایط خاص ۲۹ که فقط می‌توانسته یک برنده داشته باشد، از طریق فراخوان عمومی به مناقصه گذاشته می‌شود. نهایتاً، پس از برگذاری مناقصه، بدون ذکر دلیل سایر شرکت‌کنندگان (از جمله نفر اول مناقصه ۳۰)، رد می‌شوند. در مناقصه اولیه ۷ طبقه پارکینگ و ۱ طبقه تجاری به مساحت ۲۱ هزار متر مربع پیشنهاد شده بود که بعدها در دو مرحله طرح تغییر می‌کند. در اولین تغییر ۳ طبقه به واحدهای تجاری و رستوران تعلق می‌گیرد و ۳ طبقه برای پارکینگ در نظر گرفته می‌شود (کلاً ۶ طبقه) که با هدف اولیه که همانا کاهش ترافیک شهری بوده به صورت آشکاری در تناقض بوده است. در آخرین تغییر که به تصویب شهرداری نیز می‌رسد طرح به ۱۱ طبقه می‌رسد که ۶ طبقه آن تجاری، رستوران و فرهنگی و ۵ طبقه پارکینگ بوده است. این در حالی است که بر اساس ضوابط و مقررات طرح تفصیلی شهر آبادان فقط احداث ۸ طبقه آن هم بدون زیرزمین در این شهر مجاز بوده است. جدای از موضوعاتی نظیر اینکه ارزش ملک شهرداری حدود ۲۵ درصد قیمت ملک (آقای ع) کارشناسی شده بود و اینکه سهم شهرداری به صورت عجیبی نادیده گرفته شده بود باید به این موضوع پرداخت که فرایند مجوزدهی در

^{۳۰} پیشنهاد آقای عبدالباقی ۱۵.۶ درصد سهم شهرداری و ۸۴.۴ درصد سهم سازنده بود، در حالی که نفر اول نسبت ۴۱.۱۸٪ سازنده و ۵۸.۸۲٪ سهم شهرداری را پیشنهاد داده بود. (حدود ۴ برابر قیمت برنده مناقصه)

^{۲۸} اجرای ماده ۹ شیوه‌نامه امور سرمایه‌گذاری و مشارکت شهرداری‌ها

^{۲۹} اعلام اولویت برای افرادی که در مجاورت ملک شهرداری دارای ملکی باشند تا زمین شهرداری و سازنده با هم تجمیع گردند. طبیعتاً آقای عبدالباقی به عنوان مالک تنها مالک زمین مجاور در اولویت قرار می‌گرفت.

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

مطمئناً، صنایع بسیاری را می‌توان «جرم‌زا» دانست یا عوامل ساختاری جرم‌زا و آسیب‌زا را در بخشی از فرآیندهای تولید استاندارد یافت. با این حال، در بلندمدت، ارزش مباحث «جرم‌زایی» را می‌توان در مقایسه کردن صنایع مختلف و شناسایی عوامل آسیب‌پذیر یافت که در برخی حوزه‌ها برجسته‌ترند.

ظهور پدیده و دیدگاه‌های جدید نئولیبرالیسم در کنار نیاز به یافتن مسیری سریع برای توسعه و مقابله با برخی بحران‌های ناشی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی، دولت‌ها را به سمت هم‌زیستی با صاحبان سرمایه و گرداندگان صنعت ساخت سوق می‌دهد. از آنجا که در گذر زمان نقش و قدرت حاکمیت‌های ملی و محلی رو به افول است و امروزه شرکت‌ها و بخش خصوصی سردمداران توسعه در ملل مختلف به حساب می‌آیند دولت‌ها در یک مصلحت‌اندیشی نمی‌خواهند به عنوان یک عامل بازدارنده برای بخش خصوصی اعمال نفوذ نمایند و بر اساس همین دیدگاه سعی می‌نمایند حداقل در موضوعات مرتبط با گسترش و توسعه بخش صنعتی تسهیل‌گر باشند.

در مطالعه انجام شده این نتیجه حاصل شد که در ایران و بریتانیا، ساختار اداری و حاکمیتی در بسیاری از نهادها جرم‌زاست اگرچه پیش‌بینی امکان اعمال مصلحت‌مورد نظر یا مورد نیاز توسط برخی اشخاص و شوراها در خود قانون محل مناقشه است، نمی‌توان انکار نمود که مسیرهای جایگزین برای دور زدن قانون همیشه مطمح نظر مدیران نیز بوده است. شاید بتوان گفت برخی قوانین فعلی، حداقل در موضوعات مرتبط با صنعت ساخت به حدی خشک، غیر منعطف و فرتوت است که توان پاسخگویی به نیازهای جامعه صنعتی را ندارد و اساساً به علت وجود این خصیصه صرفاً تلاش می‌شود ظاهر قانون حفظ گردد یا رفتاری قانونی جلوه داده شود. به بیان دیگر ساختارهای پیچیده و غیرشفاف اداری در کنار قانون غیر منعطف و خشک و همچنین مقبولیت مسیرهای جایگزین حتی در بدنه حاکمیت به نوعی مشوقی برای ارتکاب جرم در صنعت ساخت به حساب می‌آید.

نهایتاً، باید اذعان نمود بحران‌های اقتصادی و بیکاری گسترده در ایران که اقتصاد آن بر محوریت اقدامات اجرایی حاکمیت است دولت را به سمت درآمدزایی از جرم هدایت می‌نماید، به این مفهوم که بتوان با اندک جریمه‌ای برخی اقدامات مجرمانه همانند اضافه بنا یا تغییر کاربری را انجام داد. به عبارتی دیگر امکان خرید و فروش جرم خود جرم‌زا بوده و از رفتارها و تصمیمات دولتی برای پوشش مشکلات اقتصادی-اجتماعی نشأت می‌گیرد.

۷- منابع

- اجزاء شکوهی، محمد و همکاران. (۱۳۹۵). «تحلیل و بررسی تخلفات ساختمانی در کلان شهرها با تأکید بر قوانین و ضوابط شهرسازی (مناطق ۳ و ۹ شهر مشهد)»، فصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳، شماره ۲، پیاپی ۵، صص ۱۸-۱.
- اسمعیل پور، نجمه؛ هروی، زهرا؛ حیدری‌هامانه، الهام. (۱۳۹۷). «بررسی علل وقوع تخلفات ساختمانی در شهرهای ایران با تأکید بر نقش شهرداری»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۱، صص ۲۹-۱۷.
- پژوهان، محمد و همکاران. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تخلفات ساختمانی در شهرهای کوچک (شهر بابلسر)»، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، دوره ۲۶، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۵۲.
- صفری، سکینه؛ ادایی، گلنار (۱۳۸۹). «بررسی اثر شومی منابع و اقتصاد خاکستری بر رشد اقتصادی ایران»، اقتصاد مالی، دوره ۵، شماره ۱۳، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- رحیمی، وحید؛ پناد، عبدالصمد. (۱۳۹۵). «تحلیل و بررسی آراء صادره کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری، مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری زاهدان»، چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، دانشگاه تهران، زمانی، زهره. (۱۳۹۰). «معضل تخلفات ساختمانی در پایتخت با تأکید بر شناسایی عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، شماره ۱۴، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- محمدی، جمال؛ میرزائی، سارا. (۱۳۹۴). «تبیین وضعیت و شناخت عوامل مؤثر بر تخلفات ساختمانی در کالته‌های ایران مطالعه موردی: مناطق پانزده گانه شهر اصفهان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۰، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۱۷، صص ۱۹۵-۲۱۴.
- نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین؛ گلوزیان، حسین (۱۳۹۷). «جرم‌شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۴۶-۳۶.
- Bernat, I. and Whyte, D. (2017) 'State-Corporate Crime and the Process of Capital Accumulation: Mapping a Global Regime of Permission from Galicia to Morecambe Bay', *Critical Criminology*. Springer Netherlands, 25(1), pp. 71-86. doi: 10.1007/s10612-016-9340-9.
- Bradshaw, E. A. (2015) "Obviously, we're all oil industry": The criminogenic structure of the offshore oil industry', *Theoretical Criminology*, 19(3), pp. 376-395. doi: 10.1177/1362480614553521.
- Van De Bunt, H. (2010) 'Walls of secrecy and silence', *Criminology & Public Policy*, 9(3), pp. 435-453. doi: 10.1111/j.1745-9133.2010.00640.x.
- Chan, P., Clarke, L. and Dainty, A. (2010) 'The Dynamics of Migrant Employment in Construction: Can Supply of Skilled Labour ever Match Demand?', in *Who Needs Migrant Workers?* Oxford University Press, pp. 225-256. doi: 10.1093/acprof:oso/9780199580590.003.0008.
- CIOB (2018) 'Tackling Exploitation in the UK', p. 50.
- David Whyte (2014) 'Regimes of Permission and State-Corporate Crime', *State Crime Journal*, 3(2), pp. 386-408. doi: 10.13169/statecrime.3.2.0237.

- Lexis Nexis (2016) 'Hidden in Plain Site: Modern Slavery in the Construction Industry', p. 14. Available at: https://bis.lexisnexis.co.uk/pdf/whitepapers/Modern_Slavery_in_Construction_Full.pdf.
- Lillie, N. (2012) 'Subcontracting, Posted Migrants and Labour Market Segmentation in Finland', *British Journal of Industrial Relations*, 50(1), pp. 148–167. doi: 10.1111/j.1467-8543.2011.00859.x.
- Michalowski, R. J. and Kramer, R. C. (2006) State-corporate crime: wrongdoing at the intersection of business and government.
- Reeves-Latour, M. and Morselli, C. (2017) 'Bid-rigging networks and state-corporate crime in the construction industry', *Social Networks*, 51, pp. 158–170. doi: 10.1016/j.socnet.2016.10.003.
- Rhodes, C. (2019) 'Construction Industry: Statistics and policy', House of Commons Library, (01432), pp. 1–13.
- Seely, B. A. (2019) 'Self-employment in the construction industry', (196).
- Shen, L. Y. and Tam, V. W. Y. (2002) 'Implementation of environmental management in the Hong Kong construction industry', *International Journal of Project Management*, 20(7), pp. 535–543. doi: 10.1016/S0263-7863(01)00054-0.
- Tombs, S. and Whyte, D. (2020) 'The Shifting Imaginaries of Corporate Crime', *Journal of White Collar and Corporate Crime*, 1(1), pp. 16–23. doi: 10.1177/2631309X19882641.
- Wickham, J. and Bobek, A. (2016) 'Bogus self-employment in the Irish construction industry', (March). Available at: <https://www.researchgate.net/publication/301701914>.
- Davies, J. (2021) 'Criminogenic Dynamics of the Construction Industry: A State-Corporate Crime Perspective', *SSRN Electronic Journal*. doi: 10.2139/ssrn.3869658.
- Druker, J. (2016) 'Blacklisting and its legacy in the UK construction industry: employment relations in the aftermath of exposure of the Consulting Association', *Industrial Relations Journal*, 47(3), pp. 220–237. doi: 10.1111/irj.12139.
- European Union Agency for Fundamental Rights (2015) Severe labour exploitation: workers moving within or into the European Union. States' obligations and victims' rights.
- Farmer, M. (2016) 'The Farmer Review of the UK Construction Labour Model', Farmer, M. (2016). Modernise or die: The Farmer Review of the UK construction labour market. Retrieved from, p. 76. Available at: <https://www.gov.uk/government/publications/construction-labour-market-in-the-uk-farmer-review>.
- FLEX (2018) 'Shaky Foundations: Labour Exploitation in London's Construction'.
- Ganji, S. K. (2016) 'Leveraging the World Cup: Mega Sporting Events, Human Rights Risk, and Worker Welfare Reform in Qatar', *Journal on Migration and Human Security*, 4(4), pp. 221–259. doi: 10.1177/233150241600400403.
- ILO (2014) Profits and property: the economics of coerced labor, International Labour Organization. Available at: https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/-/ed_norm/-/declaration/documents/publication/wcms_243391.pdf.
- Kankaanranta, T. and Muttilainen, V. (2010) 'Economic crimes in the construction industry: case of Finland', *Journal of Financial Crime*, 17(4), pp. 417–429. doi: 10.1108/13590791011082779.
- LeBaron, G. et al. (2018) 'Confronting Root causes: Forced Labour in Global Supply Chains', *openDemocracy*, 20(123), pp. 1–69.

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
Second Year, Issue 14
, Pages 95-107

Crime-Causing Agents in the Construction Industry; An Approach to State-Corporate Crimes (A Comparative Study in the Iranian and British Systems)

Dr. Seyed Alireza Mirkamali Assistant Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti
University, Tehran, Iran

Dr. Mohammad Reza Darabpour Assistant Professor, Department of Civil Engineering,
Allameh Rafiee Institute of Higher Education, Qazvin,
Iran

Abstract

The construction industry has great criminal potential. In some cases, the crimes committed in the construction industry are formed by government behaviors or policies, and their occurrence is practically impossible without the direct or indirect intervention of the government, public institutions, and sovereign decision-makers. This article has been compiled using the descriptive-analytical research method and using library sources, and with the approach of state-corporate crimes, it examines the emergence and impact of "criminal industrial structures" in the construction industry in connection with the decisions and interventions of the government. which is vital for the development of critical criminology discourse. And it can provide a clear framework for identifying the causes of crime and criminal policies in dealing with state-corporate crimes. Finally, it became clear that what drives the government to a criminal coexistence with the private sector is the diminution of the executive position of governments in economic and social relations, because today governments mostly play the role of supervisors and definers of processes, and it is the private sector that responds to economic needs. The society responds and the government expediency requires the government to take steps in line with the private sector.

Keywords: State-Corporate Crimes, Construction Industry, Engineering, Criminal Structure, Critical Criminology.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: : Darabpour@gmail.com